

مهر مهر

عمادالدین شیخ الحکامی



یازد. آخرین اثر مستقل قابل مقایسه با این کتاب، اثر ارزشمند محمدعلی کریمزاده تبریزی با عنوان مهرها، طغراها و فرمان‌های پادشاهان ایران است که در سال ۱۳۸۵ در لندن در ۴۹۶ صفحه منتشر شده است.

نگارنده بر آن است تا ضمن ارج نهادن به تلاش‌های نویسنده و نیز ناشر، میزان آکادمیک بودن این پژوهش را بسنجد. پیش از ورود، یادآور می‌شوم که یک اثر علمی دست کم باید ویژگی‌های زیر را داشته باشد. یعنی: مطالب ارائه شده دارای یک طبقه‌بندی درست و علمی باشد؛ گردآوری درست و دقیق اطلاعات،

منجر به تحلیل و نتیجه‌گیری‌های درست و علمی شود؛ ارجاعات درست و دقیقی به منابع معتبر داشته باشد؛ جامع و مانع باشد. یعنی نه نکته‌لازمی را فرونهاده و نه مطلبی زاید و غیرمرتبط داشته باشد. در ابتدا فصل‌بندی کتاب را مرور می‌کنیم. کتاب دارای ده فصل به

قرار ذیل است:

۱. تاریخ مهر و هنر حکاکای (۱۸ صفحه)
۲. نگاهی به تاریخ خط در ایران (۴ ص)
۳. از مهر تا انگشتی (۳۸ ص)
۴. خط کوفی، خطوط شش‌گانه و مهرهای دوران اسلامی (۱۹ ص)
۵. مهر و سیر تکاملی خط و خوشنویسی در عصر ایلخانی، تیموری و صفوی (۴۸ ص)
۶. معرفی حکاکان بزرگ (۳۴ ص)
۷. مهر در میان سلاطین عثمانی (۱۰ ص)
۸. ابزار و نحوه کار حکاکان پیشین (۱۲ ص)
۹. تاریخ هنر سجع‌سازی مهر در فرهنگ و ادبیات فارسی (۱۰۹ ص)
۱۰. معانی مختلف واژه مهر در فرهنگ، ادب و شعر فارسی (۳۱ ص)

مهر و حکاکای در ایران. محمدجواد جدی. تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷. ۴۰۸ ص (رحلی). مصور (رنگی). ۲۸۰۰۰۰ ریال.

مهر در فرهنگ و تمدن ایران از دیرباز تاکنون جایگاهی مهم و درخور توجه داشته و دارد. مهرهای دوره‌های پیش از تاریخ و دوره تاریخی بیشتر مورد توجه و تحقیق قرار گرفته و کارهای متعددی در قالب کتاب و مقاله و پایان‌نامه در این باب صورت گرفته است. اما مهرهای دوره

اسلامی به رغم در دسترس بودن و وجود نمونه‌های فراوان و منابع بسیار ادبی و تاریخی، کمتر توجهی درخور را به خود جلب کرده است. نخستین تلاش‌ها برای گردآوری مهرهای اسلامی و توجه به متن و بازخوانی آن را رابینو، جهانگیر قائم مقامی (بیشتر مهرهای پادشاهان) و احمد گلچین معانی داشته‌اند.

مهر شیئی مورد توجه اهل تاریخ و اهل هنر است و در چند سال گذشته بیش از پیش بدان توجه شده و کتاب‌ها و مقالاتی درباره آن نوشته شده است. اما همچنان جای پژوهشی مستقل، علمی و همه‌جانبه در این مورد خالی است.

مهر و حکاکای در ایران، نوشته محمدجواد جدی را – که به مناسبت «اولین گردهمایی گنجینه‌های از یاد رفته» و همزمان با همایش «مکتب شیراز» منتشر شده است – باید جدی‌ترین کار در این عرصه در سال‌های اخیر دانست. این اثر در قیاس با دیگر کارهای منتشر شده، به ویژه با توجه به کیفیت چاپ و حجم اطلاعات، درخور توجه و ارج‌گذاری است. نویسنده محترم، چنان که خود نوشته است، از کودکی علاقه‌مند این مبحث بوده و در واقع پرورش یافته دامن آخرین حلقه هنرمندان مهرساز این سرزمین است که توانسته است علاوه بر آشنایی عملی با این مبحث و دارابودن نگاه سنتی به این هنر، ضرورت پژوهش در این عرصه را دریابد و به این مهم دست

نگاهی کلی به این فهرست، نشان می‌دهد نظم منطقی در طبقه‌بندی مطالب وجود ندارد. برای نمونه، بحث حکاکی در فصل‌های ۱، ۶، ۷ و بحث خط و سیر تحول آن در فصول ۲، ۴، ۵ دیده می‌شود. مهرهای سلاطین عثمانی (با ۱۰ صفحه) فصلی مستقلی است و مهرهای هندی (با ۱۲ صفحه) به عنوان زیر مجموعه فصل نهم آمده است. «مهرهای ایلخانی، تیموری، صفوی» عنوان فصل پنجم است اما به دوره‌های دیگر که اهمیت بیشتری نیز دارند فصل مستقلی اختصاص نیافته است. میان حجم فصول نیز نسبتی منطقی وجود ندارد. فصل دوم تنها ۴ صفحه و فصل نهم ۱۰۹ صفحه را در بر می‌گیرد. زیرمجموعه‌های هر یک از این فصول نیز غیرمتناسب است. اولین عنوان زیر فصل اول، «نقش مهرهای نخستین» و آخرین عنوان «سرگین‌غلطان» [مصری] است که مؤلف محترم بدون ذکر مأخذ احتمال داده‌اند که نوعی مهر باشد و چهارصفحه از کتاب را (به اندازه فصل دوم) بدان اختصاص داده‌اند.

سه فصل نخست (۵۵ صفحه) عمدتاً به موضوع مهر در دوره پیش از تاریخ و دوره تاریخی می‌پردازد. توضیح واضح است که موضوع پیدایش خط و تحول آن، مهرشناسی، سکه‌شناسی، زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی هر کدام متخصصین خود را دارد. از این رو به تعبیر نویسنده گرامی این کتاب، «مروری گذرا» بر تمام این موارد، بدون استفاده از منابع دست‌اول تخصصی و نیز حدس و گمان و اظهارنظر در این باب، چند فصل اولیه را در حد یک تحقیق دانشجویی ساده‌انگارانه تنزل داده است. بی‌تردید اگر موضوع کتاب به تخصص نویسنده در حوزه مهرهای اسلامی ایران محدود می‌شد، عدم وجود فصول اولیه هیچ آسیبی به این کتاب نمی‌زد.

عنوان کتاب **مهر و حکاکی در ایران** است اما سهم بخش حکاکی در کتاب، غیر از بخش معرفی حکاکان (۳۶ صفحه)، تنها پنج صفحه (در ابتدای فصل هشتم) است. علاوه بر آن که میان حکاکی فلز، سنگ مزار و دیگر اشیاء خلط شده و مثلاً نام حجار یک کتیبه سنگی نیز ذکر شده است (ص ۱۵۵) در صورتی که نام حجاران و ضریح‌سازان بسیاری را می‌توان بر این گونه آثار دید که لزوماً حکاک مهر نبوده‌اند.

ضعف ارجاعات

مهمترین مشکل کتاب، ضعف ارجاعات به شیوه‌ای علمی است. این موضوع را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. مطالب بسیاری در کتاب نقل شده که هیچ مأخذی برای آن ذکر نشده است (در بیشتر صفحات).

۲. برخی از ارجاعات درون متنی، کامل نیست، یعنی تنها به ذکر نام کتاب یا نام کتاب و نویسنده اکتفا شده و در فهرست منابع هم اطلاعات کتاب‌شناسی‌شان نیامده است (مانند ص ۳۳۴). ظاهراً این موارد به صورت غیرمستقیم مورد استفاده قرار گرفته و به همین دلیل گاه معطل دیگری را به وجود آورده است و آن ذکر نادرست نام کتاب‌هاست مانند ذکر عنوان **تقسیم‌البلدان** که احتمالاً مراد **تقویم‌البلدان** ابوالفدا است. (ص ۸۳)

۳. در بیشتر موارد ارجاع به مقالات، بدون ذکر نام نویسنده یا نام مقاله آمده و تنها به نام مجله و شماره آن رجوع داده شده و در فهرست منابع ذیل مجله، فصلنامه یا نام مجله آورده شده است. اما در صفحه ۲۰ به مجلاتی ارجاع داده شده که حتی به شکل نادرستشان نیز در فهرست منابع آورده نشده‌اند. این ایراد در مورد ارجاع به کتاب‌های خطی نیز صدق می‌کند. یعنی به جای ارجاع به نام نویسنده یا نام کتاب، آن را باید ذیل حرف کاف و کلمه کتاب خطی یافت.

۴. آشفتنگی ارجاع در متن نیز مورد دیگری است. مثلاً در ص ۲۰ ارجاع به نام اسکالون است و در فهرست این نام ذیل «انریکو اسکالون» آورده شده است. نمونه دیگر (در ص ۲۸) به نام ژان شوالیه ارجاع شده است، در صورتی که در فهرست منابع این ارجاع ذیل شوالیه آمده است.

۵. کتاب دارای ۲۷۲ تصویر عمدتاً رنگی است. اما تنها در کمتر از ۱۰ مورد به مأخذ عکس و یا مجموعه خصوصی منبع تصویر اشاره شده است. طرفه آن که در صفحه حقوق کتاب ذکر شده است: «هرگونه جعل یا تقلید از تصویر مهرهای مندرج در این کتاب ممنوع بوده و قابل پیگیری قانونی است». مأخذ برخی از تصاویر نیز این‌گونه آمده است: مهرهای موجود در موزه‌های دنیا (؟)، مهرهای موجود در موزه‌های اروپایی (؟) و...

۶. برخی از فصل‌ها و بخش‌های کتاب تماماً از یک یا دو منبع برگرفته شده است. اما ارجاع به گونه‌ای است که این موضوع را به روشنی نشان نمی‌دهد. مثلاً تمام بخش مهرهای خلفا (ص ۹۷ تا ۱۰۰)، بخش عمده‌ای از مهرهای پادشاهان (۲۲۳ تا ۲۴۲)، یا کل بخش مهرهای عثمانی (۱۹۳ تا ۲۰۲).

اظهارنظرهای غیر علمی

برخی از اظهارنظرها، تعصب‌آلود است. مانند: «آشکارا می‌توان حدس زد که خط فارسی و کوفی از تکامل خط پهلوی به وجود آمده‌اند» (ص ۸۰). نویسنده محترم منشأ امضا در سراسر جهان را ایران می‌داند: «بعدها توشیح به صورت "صحیح است" انجام گرفت و آن‌گاه جای خود را به امضا داد و در سراسر گیتی متداول شد» (ص ۱۱۷) یا بدون هیچ ارجاعی آورده است: «نظریه‌ای وجود دارد مبنی بر آن که پیدایش خط میخی ابتدا در مازندران بوده و به مرور راه تکامل پیموده است» (ص ۳۵).

برخلاف این نگرش تعصب‌آلود، در جای دیگر با دست و دلبازی تمام منشأ برخی خطوط و نیز معماری ایرانی اسلامی را در هنر مغولی و بودایی می‌داند و می‌نویسد: «در دوران اسلامی روابط مسلمانان با چین سبب تعامل‌های فرهنگی و هنر ایرانی و اسلامی در چین نفوذ کرد و در مقابل هنر چینی نیز در ایران و کشورهای اسلامی تأثیر گذاشت. برای مثال شکل گنبدهای مساجد کاملاً متأثر از معبدهای چینی و بودایی شد.» (ص ۱۰۷). «به نظر می‌سد که این خط (کوفی بنایی) بیش از هر عاملی متأثر از تمغاهای مغولی است و از این رو شاید بهتر آن باشد که آن را کوفی تمغایی یا خط تمغایی بنامیم» (ص ۱۰۸).

ورود به موضوعات تخصصی مختلف، عدم ارجاع به منابع معتبر و حدس و گمان و ذکر شاید و... اظهارات نویسنده را زیر سؤال می‌برد. وی درباره شکل حلقه می‌نویسد: «شاید توجه انسان بدوی به حلقه به سبب شکل دایره‌ای آن بوده که نماد دوام و بقا و یادآور قرص ماه و خورشید یا اوقات نادر کسوف است که خورشید حلقه‌ای نورانی به دور ماه جلوه می‌کند.» (ص ۳۷). و چون به شکل میله‌ای فلزی بوده با چکش به انتهای آن ضربه می‌زدند احتمالاً به این نام نامیده شده‌اند یا شاید میخ‌های امروزی با شباهتی که با سر سکه‌ها داشتند به مرور زمان این نام را به خود گرفته‌اند. (ص ۴۳)

برخی اظهارات نیز به صورت حکمی قاطع مطرح شده است در صورتی که تنها برداشتی سطحی و امروزی از موضوع است و روند علمی اثبات آن نظر طی نشده است: «اصولاً چون پایان هر نامه‌ای را با مهر خاتم (انگشتری) مزین و امضا کرده‌اند آن واژه، به مرور به معنی پایان بردن رواج یافته» (ص ۴۰). معقلاً به معنای دربند است و به جهت محصوربودن در شکل هندسی خاص به این نام خوانده شده است (پانوشت ص ۱۰۸). دوبار از تصویر مجلس بار عام داریوش در تخت جمشید استفاده شده و ذیل آن بدون هیچ توضیح و ارجاعی نوشته شده است: مهرداد سلطنتی باکیف مهر (ص ۱۳۰ و ۱۴۸) نیز: «شاید سال‌های زیادی گذشته است تا این مهره‌های جُعلی شکل سورخدار که همچو تسبیح به رشته کشیده شده، و به دورگردن آویخته می‌شد یا به عنوان تعویذ بر روی سینه قرار می‌گرفت، عمل مهرکردن را نیز انجام داده و بعدها مانند نگین بر روی حلقه‌های انگشتری نصب شده است.» (ص ۲۹). نیز: «یکی از ویژگی‌های مهرهای دوره صفوی که پیش از آن سابقه نداشت، درج تاریخ در آن‌هاست» (ص ۱۲۳) در صورتی که در همین کتاب دو مهر با تاریخ ۷۵۷ ق و ۷۵۹ ق آمده است.

تکرار اشتباهات مُسجَل

برخی اطلاعات موجود در کتاب اطلاعاتی است که نادرستی آن‌ها پیشتر به اثبات رسیده است: نسبت دادن سنگ قدمگاه امام رضا در فراشای یزد به مرقد امام رضا (ع) (ص ۱۵۵). یا نسبت دادن حکم فتح علی‌خان کچول (متولی آستان قدس) به فتح علی شاه قاجار (صص ۹۳ و ۲۶۷) و نسبت دادن مهر سلطان اویس جلایر به احمد جلایر (صص ۱۱۵ و ۲۲۳) که ناشی از غلط خوانی جمله پایانی سند (رب اختم) به صورت «ابن احمد» بوده است (دومورد اخیر را نگارنده پیشتر در دو مقاله متذکر شده‌ام).

عدم طبقه‌بندی و تحلیل

تردیدی نیست که گردآوری اطلاعات درست، گام نخست یک پژوهش جدی است. اما اگر این اطلاعات بدون طبقه‌بندی درست و بدون آن‌که منجر به تحلیل و نظریه‌پردازی شود، در کنار هم چیده شود، عملاً پژوهشی انجام نگرفته است. به ویژه آن‌که امروزه فهارس مکتوب و امکانات دیجیتال و منابع رایانه‌ای کارگردآوری اطلاعات را بسیار آسان کرده است. مثلاً به راحتی می‌توان با استفاده از اینترنت

یا برخی لوح‌های فشرده، حجم عظیمی از ابیاتی که واژه مهر را در خود دارد یا تعداد معتابیهی از مهرهای افراد، یا مثلاً واژه‌های مهر در قرآن و نهج البلاغه و احادیث را گردآورد و کنار هم قرار داد. پذیرفتن آن که این اطلاعات را نویسنده شخصاً و در طول سالیان دراز از منابع استخراج کرده است، بازهم اصل این مشکل را حل نخواهد کرد. به عنوان نمونه بیشترین حجم اطلاعات موجود در این کتاب، نقل سجع مهر (با تصویر و بدون تصویر) است. در بیش از ۹۰ درصد موارد، منابعی که سجع یا تصویر مهر از آن‌جا گرفته شده، ذکر نشده است. علاوه بر آن که این گردآوری منجر به تحلیل و نتیجه‌گیری خاصی نیز نشده است. نمونه دیگر فصل دهم کتاب، «معانی مختلف واژه مهر در فرهنگ و ادب و شعر فارسی» (۳۰ صفحه) است. در ابتدای این فصل تنها ۱۷ کلمه و ترکیب نوشته شده و استخراج بقیه موارد به عهده خواننده گذاشته شده است. در صورتی که بیش از ۴۰۰ واژه و ترکیب مرتبط با مهر می‌توانست در این بخش مرتب شود. نیز روشن نیست چرا بدین منظور متون نثر فارسی بررسی نشده‌اند.

نادرست خوانی متن مهر

چنان‌که گفته شد یکی از ارزش‌های این مجموعه کنار هم قرارگرفتن تعداد قابل توجهی مهر و متن بازخوانی شده آن‌هاست. اگرچه قرائت این مهرها در مجموع از دقت خوبی برخوردار است اما در مواردی نیز بدون توجه به وزن یا شناخت آیه قرآن و نیز بدون دقت در اصل جهت حرکت نوشته در مهر، خطاهایی رخ داده است که برای نمونه مواردی ذکر می‌شود:

مهر ص ۱۰۹: «جمال چهره اسلام مرشد آفاق خصال و عهد شیخ ابواسحق»، که صحیح آن چنین است: جمال چهره اسلام و مرشد آفاق / نبی خصال ولی عهد، شیخ ابواسحق.

مهر ص ۱۲۲: «به نسبش ز نصب آل نبی / ز احسان سکندر غلام علی»، صحیح: سکندر ز احسان غلام علی / ز نصب و ز نسبت ز آل نبی.

مهر ص ۱۲۲: «و ما توفیقی الا بالله و توکلت علیه، عبده محمد»، صحیح: و ما توفیقی الا بالله الاحد و علیه توکلت عبده محمد.

مهر ص ۱۲۲: «سراج کمال حیوه»، صحیح: سراج کمال حیوه [ای].

مهر ص ۲۴۳: «وقف مؤید جنس مجلد»، صحیح: وقف مؤید و حبس مخلص.

مهر ص ۲۴۳: «فضل الله نوری» (در مهر او): فضل الله النوری.

مهر ص ۲۴۵: «بوشراط بشرط الاستفاده منه»، صحیح: و شرط بشرط الاستفاده منه.

مهر ص ۲۶۷: «الغره لله»: العزّه لله.

مهر ص ۲۹۷: «محمدناصر امید شفاعت دارد»، صحیح: دارد امید شفاعت ز محمد ناصر.

مهر ص ۳۱۳: «یا من اسمه احمد»، صحیح: یاتی من بعدی اسمه احمد (آیه).

مهر ص ۳۲۲: «الحق هیا الله لک الولایه»، صحیح: هنالک

الولایه لله الحق (آیه). و نیز در همین مهر:

«پادشاه غازی بنده شاه جهان بهادر / فیروز جنگ عبدالله خان».
صحیح: عبدالله خان بهادر فیروز جنگ / بنده شاه جهان پادشاه غازی.

مهر ص ۳۲۴: «زاجه لال»: راجه لال (از نام‌های هندی).
مهر ص ۳۲۴: «ابوالمظفر الدین محمد محبی غازی پادشاه عالم‌گیر». صحیح: ابوالمظفر محمد محی‌الدین غازی عالم‌گیر پادشاه.

مهر ص ۳۲۷: «بهشت از عطای شاه دلیر نامور فتح‌الملک ابن بومظفر». صحیح: هست فتح‌الملک ابن بوظفر / از عطای شاه الیز نامور.

مهر ص ۳۲۷: «شاه بهادر ولی‌عهد محمدبهادر شاه پادشاه غازی رای عالم آرای فخر الہند و الاجاه میرزا محمد سلطان فتح الملک». صحیح: شاهزاده عالی رای عالم آرای، فخر الہند و الاجاه، میرزامحمد سلطان فتح‌الملک شاه بهادر ولیعهد محمد بهادر شاه پادشاه غازی.

نادرستی‌های چایی و...

در آثار پژوهشی که توسط مراکز علمی منتشر شده است، وجود اشتباه چایی توجیهی ندارد. خصوصاً اگر این اشتباهات دامن نام‌های خاص را بگیرد دشواری بیشتری برای خواننده ایجاد می‌شود. برخی اشتباه‌های چایی در ذیل آورده می‌شود:

طه الواطی: طه الولی (ص ۹۶) مار اسپند: مار اسپند (ص ۷۹) قلب الدنيا والدين: قطب الدنيا والدين (ص ۱۱۵) برهان در ابوالفتح محمد برهان زاید است و در اصل برهان امیرالمؤمنین بوده است (ص ۱۱۵). بوداغ: بوداق (ص ۱۲۲). نورالدین محمدالموفی: العوفی (ص ۱۴۸). عبدالله بن احمد قره: عبیدالله بن احمد مره است (ص ۱۵۵). ناصرالمؤمنین: ناصر امیرالمؤمنین (ص ۱۵۶). خواجه احمد نسوی: خواجه احمد یسوی (ص ۲۷۳ و ۲۸۹). میرزا با جهاز: میرزا جهاندار (ص ۳۳۱). بهادر البحر: بهادر کیخسرو (ص ۳۳۱). شاه دلیر: شاه الیز (الیزابت) (ص ۳۲۷).

در موارد قابل توجهی بیت بعدی بدون فاصله میان دو مصراع آمده و نوشته متنور به نظر می‌آید. نیز در تمام متن با توجه به وجود عبارات عربی و آیات قرآنی فراوان اساساً از تالی گرد استفاده نشده و تمام این موارد به صورت (ه) تایپ شده است.

ارجاع به آیات قرآنی که به ویژه در سجع مهرها استفاده شده است به جز دو سه مورد مشخص نشده است. بخشی از این آیات نیز با عنوان کلی «عبارات عربی و آیات قرآنی» آورده شده است که تفکیک آن امری لازم بود (ص ۳۱۵). نیز ذیل تصاویر مهرهای صفحه ۳۱۷ نوشته شده است: «مهرهایی مزین به آیات قرآنی». در صورتی که برخی از این عبارات، از جمله: «الواثق بالله الغنی» یا «لاله الله الملك الحق المبین» اساساً آیه نیستند.

ضعف فهارس

کتاب تنها یک فهرست عمومی دارد که شامل نام کسان، اماکن و نیز نام کتاب‌هاست، اما بدیهی است چنین اثری در صورتی قابل استفاده

علمی است که فهرست‌های تخصصی داشته باشد. دست کم فهرست حکاکان، نمایه آیات قرآنی در سجع مهرها، سجع‌های موزون، واژگان مهر، واژگان تخصصی حکاکی و غیره. اساساً بخش قابل توجهی از اطلاعات موجود در کتاب می‌توانست تنها به صورت یک فهرست الفبایی ارائه شود. به عنوان مثال اگر اکنون در سند یا نسخه‌ای مهری بیابیم و بخواهیم از طریق این کتاب آن را شناسایی کنیم باید تمام کتاب را بخوانیم تا شاید مهر مورد نظر را بیابیم.

زوائد و کمبودها

برخی از مطالب موجود در کتاب ارتباط و مناسبتی با عنوان کتاب ندارد. به عنوان نمونه: «خط پهلوی مادر خطوط امروزی ما» (صص ۷۹ و ۸۰)، «سرگین غلطان‌های مصری» (صص ۲۸ تا ۳۱) که اساساً مُهر بودن آن‌ها زیر سؤال است، خط تعلیق و علل پیدایش آن در دوره ایلخانی (ص ۱۱۱)، تاریخ‌های مندرج در اسناد (ص ۱۴۰)، مهر در میان سلاطین عثمانی (۲۰۳) و... اختصاص صفحاتی به معرفی اشیای موزه بانک مرکزی (صص ۲۱۵ تا ۲۲۰) یا «معرفی یک سند ازدواج منحصر به فرد» (صص ۳۲۸ تا ۳۳۴)، بدون اشاره به مآخذ سند و تشخیص نادرست نوع سند (استشهادیه است نه سند ازدواج) و اشتباهات فراوان در قرائت مهرهای آن از دیگر مواردی است که محاسن کتاب را تحت الشعاع قرار داده است.

انتظار خواننده از این کتاب آن است که همه مباحث مرتبط با مهر را در برگیرد و نسبت به آثار پیشین کامل‌تر و مجتهدانه‌تر باشد. اما کتاب حاضر برآورنده این انتظار نیست. به گمان نگارنده لازم بود فصول مستقلی با عنوان‌های زیر به کتاب افزوده می‌شد: سیر تحول شکل و اندازه مهر، تحولات خط در مهر (که به رغم آن‌که در این کتاب بیش از حد به بحث خط پرداخته شده است اما حتی نوع خطوط مهرها مشخص نشده و هیچ تحلیل و جمع‌بندی درباره سیر تحول خط در مهر ندارد)؛ درباب تحولات رنگ در مهر، کاربردهای مختلف مهر (نکات اشاره شده درباره برخی از موارد یادشده بسیار کلی است). هیچ مقایسه و تحلیلی میان مهرهای دوره‌های مختلف یا مهرهای هندی و ایرانی و عثمانی که به آن‌ها پرداخته شده صورت نگرفته است. درباب محل مهرکردن چیزی بر اشارات شادروان قائم مقامی افزوده نشده است. و چون بدین منظور اسناد قضایی اساساً مورد غفلت قرار گرفته، عبارت «در اسناد عادی جای مهر در انتهای نوشته‌ها یعنی در قسمت پایین سند بود.» (ص ۱۴۰) نشان از ناآشنایی نویسنده محترم با حوزه اسناد شرعی دارد. حتی در حد یک پرسش اشاره‌ای به این موضوع نشده است که چرا بیشترین تعداد اثر مهرهای موجود متعلق به سده نهم به بعد است و چرا حتی یک نمونه از دوره پیش از مغول ارائه نشده است.

به گمان نگارنده یکی از علل بروز این‌گونه اشکالات، روشن‌نبودن قالب اثر است. آیا کتاب حاضر یک «کاتالوگ»، «فهرست» (مانند فهرست سجع مهرها) است و یا تحقیقی علمی در تاریخ مهر و یا کمی از هر کدام؟